

چهار گروه BNPL در ایران



نیمایپورین
تحلیلگر استراتژی‌های کسب‌وکاری

امروزه الگوی کسب‌وکاری «الان بخر، بعدا پرداخت کن» (BNPL) دیگر صرفا گزینه‌ای فرعی در صفحات پرداخت نیست، بلکه هم کسب‌وکارهای زیادی را حول ایده خود گرد آورده و هم توانسته است محرکی برای توسعه سایر کسب‌وکارهای دیجیتال و غیر دیجیتال باشد. مطابق نظرسنجی Partner Centric که در سال جاری میلادی در ایالات متحده آمریکا انجام شده است، ۷۲ درصد آمریکایی‌ها از این روش استفاده می‌کنند، این نسبت در بازه زمانی یک‌ساله حدود ۲۰ واحد درصد جهش داشته است. این نظرسنجی همچنین حکایت از تغییراتی در ترکیب کاربران نیز دارد، نسل Y (متولدین ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴) با ۷۶ درصد از نسل Z پیشی گرفته و رهبری بازار استفاده از خدمات BNPL به دست آورده است. نکته معنادارتر، تغییر جنس مصرف‌کنندگان است؛ میانه بزرگ‌ترین خرید اعتباری از ۹۰۰ به ۶۰۰ دلار کاهش یافته و ۱۸ درصد کاربران آمریکایی برای خرید مواد غذایی از آن استفاده می‌کنند. روایت این ارقام این است که BNPL ابزار خریدهای بزرگ به سازوکاری برای مدیریت جریان نقدی روزمره خانوار تبدیل شده و ۷۸ درصد کاربران، «آسان‌تر شدن بودجه‌بندی» را دلیل اصلی انتخاب آن می‌دانند.

سازوکار غالب این صنعت، مدل «پرداخت در چهار قسط» است که برای هر تراکنش، اعتبارسنجی صورت گرفته و درآمد ارائه‌دهنده عمدتا از کارمزد پذیرنده تامین می‌شود، نه بهره مصرف‌کننده. داده‌های نهاد حمایت از مصرف‌کننده مالی آمریکا (CFPB) که بر تراکنش‌های واقعی متکی است، عملکرد قابل قبولی را برای این مدل کسب‌وکار گزارش می‌دهد: ۹۶ درصد وام‌ها به‌موقع تسویه شده و تنها ۱.۸۳ درصد سوخت شده است. در کنار این مدل، نسخه‌های بهره‌دار با اقساط بلندمدت‌تر نیز رواج دارند که مرزشان با تسهیلات خرد کلاسیک کمرنگ‌تر است. انگیزه فروشندگان برای پرداخت این کارمزد، در اعداد رفتاری نهفته است: تقسیط، «درد پرداخت» را در ذهن خریدار کوچک می‌کند. ۳۷ درصد کاربران اعتقاد دارند به دلیل این روش بیشتر خرج می‌کنند و ۳۱ درصد خریدهایی انجام داده‌اند که در حالت عادی از آن صرف‌نظر می‌کردند. همین اهرم رفتاری، روی دیگری هم دارد. تحلیلگران حوزه تجربه مشتری هشدار می‌دهند این صنعت هنوز یک رکود عمیق را از سر نگذرانده و در دوران ماه‌های خود به سر می‌برد. ۲۴ درصد کاربران آمریکایی در یک سال گذشته دست‌کم یک قسط را از دست داده‌اند.

بازار ایران نسخه خاص خود را از این الگو ساخته است. در سال ۱۴۰۳ حجم اعتبار مصرف‌شده در این بازار به ۷۵ هزار میلیارد تومان و شمار تراکنش‌ها به ۴۰ میلیون رسید که ۶۷ درصد آن به مصرف‌کننده نهایی اختصاص داشت. معماری بازار نیز متمایز است: سکوهای فناوری مالی ویرین ماجرا هستند و اعتبارسنجی دیجیتال، تخصیص سقف اعتبار و مدیریت بازپرداخت را بر عهده دارند. درحالی‌که تامین منابع عمدتا بر دوش بانک‌ها و شرکت‌های وابسته به آنهاست، تقسیم کاری که کاربر نهایی معمولاً از آن خبر می‌ماند، سه نیروی پشتران برای این رشد شناخته شده‌اند: فرسایش قدرت خرید خانوار، فرایند طولانی و ضامن‌محور تسهیلات خرد بانکی و انتظار کاربری که خرید اینترنتی چند دقیقه‌ای را تجربه کرده و همان سرعت را از دریافت اعتبار طلب می‌کند.

نخستین و جدی‌ترین مانع پیش‌روی این صنعت در ایران، ضعف زیرساخت داده اعتباری است. مدل جهانی BNPL بر اعتبارسنجی لحظه‌ای هر تراکنش استوار است و کیفیت این اعتبارسنجی تابع مستقیم عمق داده‌های در دسترس است. در غیاب سامانه‌ای که سوابق بازپرداخت را میان ارائه‌دهندگان به اشتراک بگذارد، کاربری که نزد یک سکود بحساب شده، می‌تواند در لحظه از سکوی بعدی اعتبار بگیرد. پیامد این خلأ، انباشت پنهان بدهی خرد نزد چند ارائه‌دهنده و رشد تدریجی ریسک نکول در کل زنجیره است.

مانع دوم، اقتصاد خودمحصول در محیط تورمی است. جدیانه بچانی این مدل به وعده «بهره صفر» گره خورده که هزینه‌اش را کارمزد پذیرنده می‌پردازد. در اقتصادی که ارزش پول با شتاب کاهش می‌یابد، هر روز تاخیر در وصول قسط، زیانی واقعی برای تامین‌کننده منابع است و نگه داشتن کارمزد در سطحی که هم فروشنده بپذیرد و هم مدل را سرپایانه دارد، به ترمیمی پرمخاطره بدل می‌شود. نتیجه عملی این فشار را در بازار می‌توان دید: کوتاه شدن دوره‌های بازپرداخت، ظهور کارمزدهای پنهان و پنهان برای مصرف‌کننده و فاصله گرفتن تدریجی محصول از فلسفه اولیه‌اش، محدودیت منابع بانکی نیز سقف رشد را پایین می‌آورد.

سومین مانع، موارد حقوقی و قانونی است. چارچوب حقوق بانکی کشور بر عقود سنتی بنا شده و جایگاه این محصول در آن مبهم مانده است؛ مرجع رسیدگی به شروط ناعادلانه قرارداد، الزامات کارمزد موثر، قواعد ناظر بر تضامین دیجیتال و حدود استفاده از داده‌های رفتاری مشتری هنوز تعریف روشنی ندارند. این الزام وجود دارد که مقررات‌گذاری متناسب با ریسک واقعی محصول صورت گیرد که با تمرکز بر شفافیت تعهدات، سررسیده‌ها و بهای تمام‌شده خرید برای مصرف‌کننده انجام می‌شود.

مانع چهارم را باید در لایه تجربه مشتری جست. توصیه‌های مکرر تحلیلگران این حوزه، فهرست کوتاهی است که در بازار ایران کمتر جدی گرفته شده: خرید اعتباری باید گزینه‌ای غیرپیش‌فرض در کنار سایر روش‌ها باشد، انتخاب پیش‌فرض آن مشتری را به سمت بدهی ناخواسته هل می‌دهد. فرایند مرجوعی کالا و تسویه اقساط خرید برگشتی باید به همان سادگی لحظه خرید بوده و زمان‌بندی بازپرداخت پیش از تایید تراکنش، بی‌ابهام در برابر چشم مشتری قرار گیرد. غفلت از این جزئیات، سرمایه اعتماد فروشگاه و سکورا همزمان می‌سوزاند و بازگرداندن مشتری پشیمان، بسیار گران‌تر از جذب او است. جمع این چهار مانع، نقشه راهی را نیز ترسیم می‌کند. آینده این صنعت در ایران به سه پیوند بستگی دارد: پیوند داده‌ای میان ارائه‌دهندگان از طریق زیرساخت مشترک گزارش‌دهی اعتباری، پیوند نهادهای میان بانک‌ها و سکوها در قالب بانکداری پلتفرمی به رای‌قایت فرسایشی و پیوند مقرراتی میان نهاد ناظر و بازار پیش از آنکه نخستین موج نکول گسترده، اعتماد عمومی را هدف بگیرد. تجربه بازارهای پیشرو نشان می‌دهد که کسب‌وکارهای BNPL در دوران رونق، با مشکل اساسی مواجه نمی‌شوند، اما نخستین زمستان اعتباری، می‌تواند بحران‌های متعددی را ایجاد کند.

دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۵
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۲۴ اوت ۲۰۲۶
سال بیست و چهارم - شماره ۶۶۲۸



هزینه ۱۰۰۰ همتی ابزار حمایتی چگونه تامین مالی خواهد شد؟

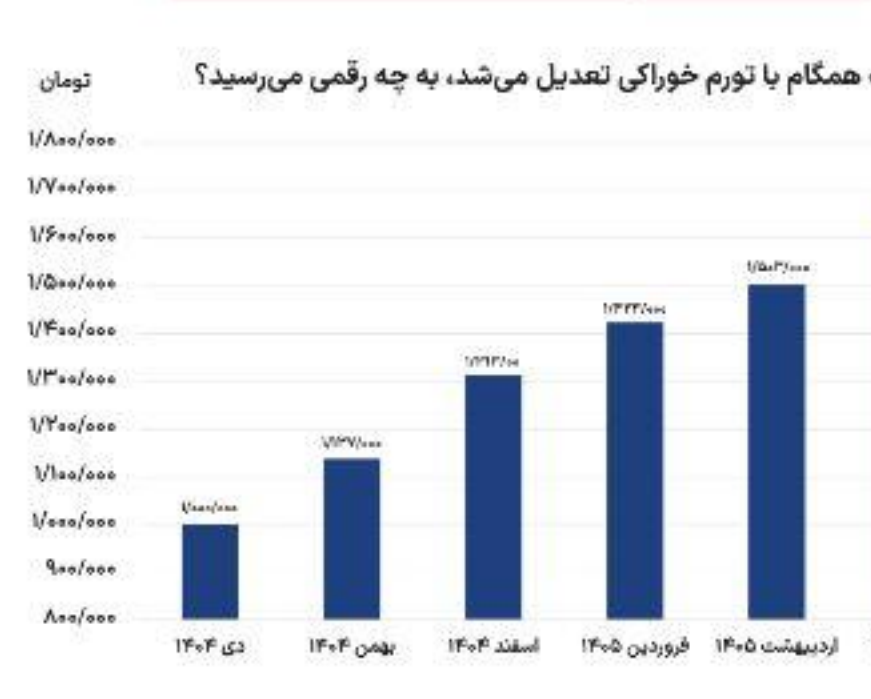
آینده کالابریگ در سه سناریو

علیرضا کتانی
رئیس کل بانک مرکزی به

تازگی اعلام کرد «اجرای طرح کالابریگ، ماهانه به حدود ۸۷

همت منابع نیاز دارد.» و حید ماچد، معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی، نیز اعلام کرده بود «در ابتدای اجرای طرح کالابریگ و پس از پرداخت معادل ریالی ۵/۲میلیارد دلار با استعجاز و رهبر شهید، برای آغاز اجرای کالابریگ در چهار ماه نخست سال، حدود ۱۰ همت نیز از محل بودجه سال ۱۴۰۵ پرداخت شد.» با توجه به این وضعیت و هزینه ۸۷ همتی طرح کالابریگ در هر ماه، می‌توان گفت هزینه اجرای طرح کالابریگ، در شرایط کنونی و بدون اعمال

هیچ گونه افزایشی در آن، حدود ۱۰۴۴ همت و معادل ۸/۱۴ درصد (پیش از یک هفتم) بودجه عمومی دولت خواهد بود. در صورتی که این طرح، به صورت کلی از طریق استقراض از صندوق توسعه ملی تامین مالی شود، پیش‌بینی می‌شود رقمی حدود ۶۲۶/۷ میلیارد دلار از این صندوق برای تامین مالی کالابریگ استقراض خواهد شد. با توجه به سخنان رئیس کل بانک مرکزی به نظر می‌رسد سه سناریو پیش‌رو در رابطه با کالابریگ، عدم تغییر رقم کالابریگ، افزایش مبلغ آن به میزان ۲۳ درصد برای سه دهک اول و افزایش آن برای کالابریگ به میزان ۲۳ درصد برای همه دهک‌ها است.



بود که یارانه‌ای که پیش از این برای تامین کالاهای اساسی اختصاص داده می‌شد و حداقل سالانه حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده است، بر مبنای ارز توافقی مستقیما به مصرف‌کنندگان و خانوارها پرداخت خواهد شد. در این سیاست به جای تخصیص یارانه به واردات و تولید کالا و احتمال ایجاد رانت

تسری این افزایش به همه دهک‌ها یا تمرکز

بیشتر بر دهک‌های یک، دو و سه هنوز در

دولت در حال بررسی است.

آیا رقم پرداختی افزایش می‌یابد؟

در زمان آغاز اجرای طرح، احمد میدری،

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اعلام کرده

و انحراف در زنجیره تامین، منابع به‌طور مستقیم‌تر به مصرف‌کننده منتقل شود. در صورتی که منابع آزادشده از حذف یارانه ارزی واقعا بتوانند به شکل کامل و شفاف در اختیار خانوارها قرار گیرد، این سیاست می‌تواند از منظر کارایی اقتصادی نسبت به پرداخت یارانه در ابتدای زنجیره برتری داشته باشد.

با این حال، پایداری این مدل نیز به چند شرط مهم وابسته است. نخست اینکه دولت باید بتواند منابع ارزی آزادشده را واقعا و به‌طور مستمر به منابع قابل استفاده برای تامین کالابریگ تبدیل کند. دوم اینکه افزایش قیمت کالاهای اساسی پس از تغییر نرخ ارز نباید به اندازه‌ای باشد که بخش بزرگی از اثر حمایتی کالابریگ را از بین ببرد. سوم اینکه دولت باید از ایجاد یک تعهد جدید بدون منبع مشخص منبع و مصرف مشخص‌تر خواهد بود؛ اما اگر منابع حاصل از اصلاحات به‌دلیل کسری بودجه یا سایر هزینه‌ها به بخش‌های دیگر منتقل شوند، در نهایت دولت برای پرداخت کالابریگ به استقراض یا استفاده از منابع غیرپایدار نیاز پیدا خواهد کرد.

چالش دیگر، تعدیل مبلغ کالابریگ متناسب باتورم است. سیاستگذاران از ابتدا وعده‌هایی درباره افزایش ارزش اسمی کالابریگ متناسب با رشد قیمت‌ها مطرح کرده بودند. بررسی‌های «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد که اگر مبلغ یک میلیون تومانی کالابریگ بر اساس تورم خوراکی تعدیل می‌شد، تا تیرماه ۱۴۰۵ باید حدود ۷۰ درصد افزایش پیدا می‌کرد و به یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌رسید. چنین افزایشی نشان می‌دهد که ثابت نگه داشتن مبلغ اسمی حمایت، به معنای کاهش مستمر قدرت خرید واقعی آن است. دولت همزمان با محدودیت‌های خارجی و فشار بر منابع ارزی با محاصره دریایی هم مواجه است و درآمدهای مالیاتی نیز به دلیل جنگ، در چهار ماه نخست سال جاری تحقق کمتر از ۶۰ درصد داشته‌اند. تحقق کمتر از انتظار درآمدهای مالیاتی، به شرایطی که دولت بر افزایش درآمدهای پایدار داخلی حساب باز کرده بود، فشار کسری بودجه را تشدید می‌کند. اگر درآمدهای پیش‌بینی‌شده محقق نشود اما هزینه‌های تعهدشده، از جمله هزینه کالابریگ، ادامه یابد، شکاف میان منابع و مصارف دولت دوراهی روبه‌رو است: یا مبلغ کالابریگ را افزایش دهد و فشار مالی بیشتری را بپذیرد، یا آن را ثابت نگه دارد و شاهد کاهش اثر واقعی این سیاست بر قدرت خرید خانوارها باشد.

سه سناریوی پیش‌روی کالابریگ

با توجه به سخنان اخیر رئیس کل بانک مرکزی، به نظر می‌رسد در شرایط کنونی سه سناریوی اصلی درباره آینده مبلغ کالابریگ پیش‌روی سیاستگذار قرار دارد. سناریوی نخست، عدم تغییر مبلغ کالابریگ و تداوم پرداخت در سطح فعلی است. در این حالت، هزینه ماهانه اجرای طرح حدود ۸۷ همت باقی خواهد ماند و هزینه سالانه آن به حدود ۱۰۴۴ همت می‌رسد. مزیت اصلی این سناریو، کنترل نسبی هزینه‌های

گروه سیاستگذاری و اقتصاد کلان
۵۲۱۸۲۶۲
khabar@den.ir

بودجه‌ای در شرایط محدودیت منابع است؛ اما در مقابل، با تداوم تورم و افزایش قیمت خوراکی‌ها، ارزش واقعی کالابریگ به تدریج کاهش می‌یابد و بخشی از کارکرد حمایتی آن از بین می‌رود.

سناریوی دوم، افزایش ۲۳ درصدی مبلغ کالابریگ برای سه دهک اول درآمدی است. با توجه به اینکه رئیس کل بانک مرکزی افزایش ۲۲ تا ۲۳ درصدی اعتبار کالابریگ را متناسب با تغییرات نرخ ارز منطقه‌ای دانسته و همزمان از احتمال تمرکز بیشتر افزایش حمایت بر دهک‌های یک، دو و سه سخن گفته است، این سناریو می‌تواند گزینه‌ای میانه میان حفظ قدرت خرید و کنترل هزینه‌های مالی باشد. در این صورت، مبلغ کالابریگ برای سه دهک نخست از یک میلیون تومان به حدود یک میلیون و ۲۳۰ هزار تومان افزایش می‌یابد و هزینه ماهانه کل طرح به حدود ۹۳ همت می‌رسد.

سناریوی سوم، افزایش ۲۳ درصدی مبلغ کالابریگ برای تمام دهک‌های مشمول است. در این وضعیت، مبلغ کالابریگ به یک میلیون و ۲۳۰ هزار تومان افزایش می‌یابد و هزینه ماهانه اجرای طرح به حدود ۱۰۷ همت می‌رسد.

لزوم رفع ریسک‌های سیاسی از فضای اقتصادی

فارغ از اینکه کدام سناریو در نهایت، توسط سیاستگذاران مورد انتخاب قرار گیرد، آنچه واضح است این است که اقتصاد ایران اکنون نااطمینانی در تجارت خارجی و محدودیت در دسترسی به منابع ارزی روبه‌رو است. در چنین فضایی، هزینه تامین مالی دولت افزایش می‌یابد، چشم‌انداز درآمد‌های نفتی و ارزی با ابهام مواجه می‌شود و امکان جذب سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. به همین دلیل، گام برداشتن در مسیر تنش‌زدایی و کاهش ریسک‌های سیاسی از فضای اقتصادی، اکنون اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. کاهش ریسک‌های سیاسی می‌تواند از طریق بهبود تجارت خارجی، افزایش دسترسی به منابع ارزی، تقویت سرمایه‌گذاری و افزایش رشد اقتصادی، ظرفیت مالی دولت را نیز افزایش دهد. تنها در این شرایط است که با کنترل وضعیت تورم و تقویت رشد اقتصاد، سیاست‌های حمایتی می‌توانند به نتیجه مدنظر خود برسند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال‌های گذشته، به‌رغم اعمال سیاست‌های حمایتی مختلف، بخش زیادی از سیاست‌های حمایتی به نتیجه مدنظر خود یعنی کاهش نرخ فقر منتهی نشدند.

آنچه در رابطه با اقتصاد ایران مشخص است این است که در حال حاضر، دولت نه می‌تواند سیاست‌های حمایتی را ملغی کند و نه می‌تواند آنها را به شیوه‌ای موفق اجرایی کند. در چنین شرایطی، پرسش اصلی نه سناریو مورد اتخاذ در شیوه اجرای سیاست حمایتی، بلکه بررسی عواملی است که منجر به بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان و لزوم اجرای سیاست‌های حمایتی شده است. به نظر می‌رسد تا زمانی که ریسک‌های سیاسی از اقتصاد ایران رفع نشود، اجرای سیاست‌های حمایتی، نمی‌تواند گامی مهم در راستای حمایت از خانوارها تلقی شود.

هدف اصلی اصلاحات ارزی را حذف رانت و فساد و توزیع عادلانه‌تر منابع میان مردم دانست.

از نگاه مدنی‌زاده، اصلاحات اقتصادی باید شجاعانه اما مدبرانه باشد. به همین دلیل، طرح‌های اصلاحی باید ابتدا مورد بررسی کارشناسی قرار گیرند و در صورت نیاز به شکل آزمایشی اجرا شوند. او هشدار داد که به تعویق انداختن اصلاحات می‌تواند به تورم بالاتر، رکود عمیق‌تر، کاهش درآمد سرانه، تضعیف معیشت و افزایش فقر منجر شود. در همین چارچوب، اصلاح تازاری‌های نظام بانکی، انرژی و بودجه از دیگر محورهای کلیدی پیش‌روی دولت است؛ زیرا قیمت‌های غیرواقعی انرژی و کسری بودجه، منابع کشور را هدر داده و بخشی از هزینه‌ها را از طریق تورم به مردم منتقل می‌کنند.

مدنی‌زاده همچنین بر تکمیل کرد پرونده‌های جاده‌ای، ریلی و هوایی برای تبدیل ایران به مسیر ترانزیت بین‌المللی تأکید کرد. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کلیدی و درآمدزایی از اولویت‌های دولت عنوان شد؛ سرمایه‌گذاری‌هایی که ممکن است آثار آنها در سال‌های آینده نمایان شود، اما برای تامین درآمد آینده کشور ضروری هستند. آموزش و پرورش نیز از جمله بخش‌هایی بود که به گفته وزیر اقتصاد، مورد توجه ویژه رئیس‌جمهور قرار دارد.

در حوزه تجارت، دولت به دنبال کاهش ممنوعیت‌ها و موانع فعالیت اقتصادی است. تجربه جنگ نشان داد با کاهش محدودیت‌های اداری می‌توان سرعت ترخیص کالا را افزایش داد، به گفته مدنی‌زاده، سرعت ترخیص کالاهای اساسی در بنادر جنوبی تقریبا دو برابر شد. او تأکید کرد این تسهیل نباید با بازگشت شرایط عادی از بین برو و اصلاح قوانین و مقررات مزاحم باید ادامه پیدا کند.

حکمرانی داده‌محور، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و تمرکززدایی سه محور مهم دیگر اصلاحات معرفی شدند. دولت می‌خواهد با تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی، توزیع تسهیلات، یارانه‌ها و کالابریگ را بر اساس وضعیت واقعی افراد انجام دهد و زمینه رانت و فساد را کاهش دهد. همچنین منابع بودجه باید متناسب با عملکرد دستگاه‌ها تخصیص یابد. در حوزه حکمرانی نیز قرار است اختیار بیشتری به استانداران و مدیران محلی داده شود تا تصمیم‌گیری از مرکز فاصله بگیرد و استان‌ها با مشارکت مردم و دانشگاه‌ها مسائل واقعی خود را حل کنند.



موفق نشدن این برنامه‌ها، گزینه‌هایی مانند ادغام، تصفیه یا انحلال مطرح خواهد بود.

در حوزه ارزی نیز مدنی‌زاده از ضرورت اصلاح سیاست‌های گذشته سخن گفت. به گفته او، تداوم ارز ترجیحی و کنترل دستوری نرخ ارز، علاوه بر ایجاد مشکلات برای تولیدکنندگان و تجار، موجب هدررفت منابع ارزی و فشار بر معیشت مردم شده بود. پس از افزایش شدید نرخ ارز و رسیدن آن به حدود ۱۵۰ هزار تومان، امکان ادامه سیاست قبلی وجود نداشت. دولت با اختصاص ۲.۵ میلیارد دلار برای اجرای کالابریگ تلاش کرد بخشی از آثار تغییر سیاست ارزی را جبران کند. وزیر اقتصاد